

جنبش از نو آغاز



می شود

- ۱- علی رغم شرایط نامساعد؛ و علی رغم نتایج دردناک بمدی بامعاویه جنگ کند .
 - ۲- حکومت را به معاویه واگذار کند و خود بکلی از خلافت دست کشیده از آرمانهای مقدس خود صرف نظر نماید .
 - ۳- در برابر شرایط نامساعد، تسلیم شده موقتاً از برخورد مسلحانه خودداری کند ولی نه برای آنکه ناظر اوضاع باشد، بلکه برای اینکه مبارزه را در سطح دیگر شروع کرده مسیر حوادث را در جهت مصالح عالی جامعه و هدفهای بزرگ خود تغییر دهد .
- از آنجا که مبارزه پیشوای دوم صرفاً برای بدست آوردن قدرت نبود، بلکه رسالت خاصی بهمه داشته که تمام تلاشها و کوششهای حضرت بخاطر آن بود، نمی توانست راه اول را انتخاب کند زیرا - چنانکه

درست است که بر اساس پیمان صلح ، مبارزه مسلحانه با حکومت معاویه متوقف شد، لکن این به آن معنی نبود که امام حسن (ع) دست از هر گونه فعالیت کشیده نسبت به اوضاع جاری بی تفاوت بماند، بلکه از آنجا که این صلح بر اثر عدم آمادگی مردم جهت فداکاری و جهاد و وضع خاص سیاست خارجی اسلام بر آن حضرت تحمیل شد؛ حضرت پس از انقضاء پیمان می کوشید مردم را متوجه عواقب وخیم و مرگبار سستیها و راحت طلبیهایشان کرده، آنها را با ماهیت پلید حکومت بنی امیه بیش از پیش آشنا سازد.

بهترین راه

اصولاً رهبری که در تنگنای شرایط و احوالی که امام حسن (ع) در آن قرار گرفته بود، قرار می گرفت ، ممکن بود یکی از سه طریق زیر را انتخاب کند :

حکومت اموی آشنا شده به فشارها، محرومیت‌ها، تمقیب‌های مداوم؛ و خفگانهایی که حکومت اموی بعمل می‌آورد، پی ببرند.

و آنچه لازم بود امام حسن (ع) و یاران صمیمی او انجام دهند، این بود که این واقعیت را عریان و بی‌پرده به مردم نشان دهند و عقول و افکار آنها را برای درک و فهم این حقایق تلخ، و قیام و مبارزه برضد آن، آماده نمایند. (۱)

بنابراین اگر امام مجتبی (ع) صلح کرد نه برای این بود که شانه از زیر بار مسؤلیت خالی کند، بلکه برای این بود که مبارزه را در سطح دیگری شروع کند.

اتفاقاً حوادثی که پس از انعقاد پیمان صلح به وقوع پیوست، به این مطلب کمک کرد و عراقیان را سخت تکان داد.

«طبری» می‌نویسد: معاویه (پس از آتش‌بس) در «نخیله» (نزدیکی کوفه) اردو زد، در این هنگام گروهی از خوارج برضد معاویه قیام کرده وارد شهر کوفه شدند، معاویه یک ستون نظامی از شامیان را به جنگ آنها فرستاد، خوارج آنها را شکست دادند. آنکاه معاویه به اهل کوفه دستور داد آنها خوارج را سرکوب سازند و تهدید کرد که اگر با خوارج نجنگند، در امان نخواهند بود (۲)

بدین ترتیب مردم عراق که حاضر به جنگ در

قبلاً تشریح کردیم - بانبروهای پراکنده و پیمان- شکنی که داشت، اگر بامعاویه جنگ می‌کرد، خود و یاران صمیمی امام کشته می‌شدند بدون آنکه نتیجه درخشانی بدست آید. چنین قیامی برای جهان اسلام بیش از حد تصویر زیان‌بار بود و جز اضافه شدن چند اسم جدید بر لیست شهدای اسلام، نتیجه‌ای نداشت! و نیز نمی‌توانست به عنوان کسی که عهده دار رسالت خاصی بود، دست‌ازهمه چیز بکشد و بدون آنکه غم رهبری و اداره امور جامعه را به دل راه دهد؛ آرام و آسوده بسربرد.

راه سوم بهترین راهی بود که امام (ع) می‌توانست طی کند و آن عبارت بود از اینکه موقتاً بامعاویه آتش‌بس امضاء کند تا بتواند درپرتو آن، جامعه را برای انقلاب در موقع مناسبتری آماده سازد.

مردمی که بواسطه تحمل جنگهای متعدد، از جنگ خسته و بیزار بودند و به پیروی از رؤسای خود و تحت تأثیر تبلیغات و وعده‌های فریبنده عمال معاویه، دل به صلح و سازش بسته بودند، لازم بود بیدار شوند و متوجه گردند که بواسطه اظهار ضعف از تحمل عواقب جنگ، و فریفتگی به وعده‌های معاویه؛ و پیروی کورکورانه از رؤسای خود، چه اشتباه بزرگی مرتکب شده‌اند. و این ممکن نبود مگر آنکه بچشم خود آثار و عواقب شوم و خطرناک عمل خود را می‌دیدند.

بعلاوه لازم بود مسلمانان عملاً باماهیت اصلی

۱ - ارزیابی انقلاب حسین از دیدگاه جدید صفحه ۲۰۷ - ۲۰۶

۲ - تاریخ طبری ج ۵ ص ۱۶۶

معاویه «زیاد بن سمیه» را حاکم کوفه قرار داد و بعدها فرمانروائی بصره را نیز به وی محول نمود، زیاد که روزی در صف یاران علی (ع) بود و همه آنها را بخوبی می شناخت، شیعیان را مورد تعقیب قرارداد و در هر گوشه و کناری که مخفی شده بودند، پیدا کرده، کشت، تهدید کرد، دستها و پاهای آنها را قطع کرد، نابینا ساخت، از بالای درختان خرما به دار آویخت، متواری ساخت و از عراق پراکنده نمود بطوری که احدی از شخصیت‌های معروف شیعه در عراق باقی نماند.

چنانکه اشاره شد مردم عراق و مخصوصاً کوفه از این نظر بیش از دیگران زیر فشار قرار گرفته بودند بطوری که به خانه دوستان و افراد مورد وثوق و اطمینان خود، رفت و آمد می کردند و اسرار خود را با آنها در میان می گذاشتند ولی چون از خدمتکار صاحب خانه می ترسیدند، مادامی که از آنها سوگندهای مؤکد نمی گرفتند که آنها را لو ندهند؛ گفتگو را آغاز نمی کردند!

معاویه طی بخشنامه‌ای به عمال و فرمانداران خود در سراسر کشور نوشت که شهادت هیچکس از شیعیان و خاندان علی (ع) را نپذیرند.

وی طی بخشنامه دیگری چنین نوشت: اگر دو نفر شهادت دادند که شخصی از دوستان اران علی (ع) و خاندان او است؛ اسمش را از دفتر بیت المال حذف کنید و حقوق و مقرری او را قطع نمائید (۱).

رکاب امیر مؤمنان و حسن بن علی (ع) نبودند، از طرف معاویه که دشمن مشترك آنها و خوارج بود، مأمور جنگ با خوارج شدند؛ و به صلح و آرامشی که آرزو می کردند نرسیدند!

سیاست تهدید و گرسنگی

علاوه بر این، معاویه برنامه ضد انسانی دامنه داری را که باید اسم آن را برنامه تهدید و گرسنگی گذاشت، بر ضد عراقیان (شیعیان) به اجرا گذاشت که آنها را از هستی ساقط کرد. معاویه از يك طرف مردم عراق را در معرض همه گونه فشار و تهدید قرارداد و از طرف دیگر حقوق و مزایای آنها را قطع کرد.

«ابن ابی الحدید» دانشمند معروف جهان

تسنن می نویسد:

شیعیان در هر کجا که بودند به قتل رسیدند، بنی امیه دستها و پاهای اشخاص را به احتمال اینکه از شیعیان هستند، بریدند، هر کس که معروف به دوستداری و دلبستگی به خاندان پیامبر (ص) بود؛ زندانی شد، یا مالش به غارت رفت، یا خانهاش را ویران کردند!

شدت فشار و تضییقات نسبت به شیعیان به حدی رسید که اتهام به دوستی علی (ع)، از اتهام به کفر و بیدینی بدتر شمرده می شد و عواقب سخت تری بدنبال داشت!! در اجرای این سیاست خشونت آمیز معاویه، وضع اهل کوفه از همه بدتر بود زیرا کوفه مرکز شیعیان امیر مؤمنان (ع) بود.

صلحی که با اهل شام برقرار نموده بودند، انگشت ندامت بدندان می‌گزیدند، هر وقت بهم می‌رسیدند، یکدیگر را بخاطر گذشته‌ها سرزنش نموده دوباره اینکه در آینده چه می‌توانند بکنند؛ به فکر و اندیشه فرو می‌رفتند، بطوری که بیش از چند سال نگذشت که پی در پی هیئت‌های نمایندگی از طرف عراقیان به محضر امام حسن (ع) شرفیاب شده از آنحضرت می‌خواستند، برضد معاویه قیام کند. بنابراین دوران صلح امام حسن (ع) دوران آمادگی و تمرین برای جنگ بشمار می‌رفت تا روز موعود - روزی که جامعه اسلامی آمادگی و یارای انقلاب داشته باشد - فرارسد.

روزی که امام حسن (ع) صلح کرد هنوز اجتماع به آن پایه از درک و استعداد نرسیده بود که هدف امام را تأمین کنند. آن روز هنوز جامعه اسلامی اسپر زنجیرهای آمال و آرزوها بود، آمال و آرزوهایی که روح شکست را در آنها تزریق کرده بود.

از این رو هدفی که امام حسن (ع) تعقیب می‌کرد، این بود که افکار عمومی را برای قیام برضد حکومت اموی آماده کند و به مردم فرصت دهد تا خود بیندیشند و به حقایق اوضاع و اساس حکومت اموی پی ببرند و مخصوصاً با اشارتهایی که حضرت مجتبی (ع) به ستمگریها و جنایات حکومت اموی و زیر پا گذاشتن احکام اسلام، می‌فرمود، افکار مردم را کاملاً بیدار می‌کرد (۲).

زیاد که شش ماه در کوفه و شش ماه در بصره حکومت می‌کرد، «سمرهٔ بین چندب» را بجای خود در بصره گذاشت تا در غیاب وی امور شهر را اداره کند. سمره در این مدت هشتاد هزار نفر را بقتل رسانید. زیاد به وی گفت: نمی‌ترسی که در میان آنها یک نفر بیگناه را کشته باشی؟ گفت: اگر دو برابر آنها را نیز می‌کشم هرگز از چنین چیزی نمی‌ترسیدم!!
«ابوسوار عدوی» می‌گوید:

سمره در یک صبحگاه چهل و هفت نفر از بستگان مرا کشت که همه حافظ قرآن بودند (۱).

بیدار باش حوادث

این حوادث وحشتناک، مردم عراق را سخت تکان داد و آنها را از رخوت و سستی بیدار آورد و ماهیت اصلی حکومت اموی را تا حدی آشکار نمود.

در همان حال که رؤسای قبایل، از آثار و منافع پیمان صلح امام حسن (ع) بهره‌مند می‌شدند، مردم عادی عراق! کم‌کم به ماهیت اصلی حکومت بیدارگر و خودکام معاویه که پبای خود به سوی آن رفته و بدست خود، آن را تثبیت نموده بودند؛ پی می‌بردند مردم عراق وضع خود را در زمان حکومت علی (ع) بیاد آورده حسرت می‌خوردند و از کوتاهی‌هایی که در پشتیبانی از علی (ع) مرتکب شده بودند، و نیز

۱ - کامل ابن اثیر ج ۳ ص ۲۲۹

۲ - از این جهت می‌توان گفت که پیمان صلح، نسبت به معاویه حکم شمشیر دو دم را داشت که هر دو طرفش به زیان وی بود زیرا اگر او به مفاد صلحنامه عمل می‌کرد، هدف امام تا حدودی تأمین می‌شد و اگر آنرا نقض می‌کرد، نتیجه آن ایجاد تفرقه عمومی از حکومت اموی و جنبش و بیداری مردم برضد این حکومت بود و این مسئله‌ای بود که امام مجتبی (ع) آن را از نظر دور نداشت.

با ایمان برانگیخت .

این مطالب نشان می‌دهد که در آن هنگام جنبش منظمی بر ضد حکومت اموی شکل می‌گرفت که مبلغین و عوامل مؤثر آن ، همان پیر و انانداک و صمیمی امام حسن (ع) بود که امام از کشته شدن آنها دریغ ورزید و با معاویه صلح کرد . هدف این گروه این بود که از رهگذر جنایاتی که در سراسر دوران حکومت معاویه موج می‌زد؛ روح انقلاب‌زاد در دل‌های مردم برانگیزند تا روز موعود فرا رسد! (۲)

کم کم این آمادگی قوت گرفت بطوری که شخصیت‌های بزرگ عراق متوجه حسین بن علی (ع) شده از او می‌خواستند قیام کنند (۱) .
هریک از جنایتهای معاویه بلافاصله در مدینه طنین می‌افکند و محور بحث و اجتماعی به شمار می‌رفت که حسین بن علی (ع) با شرکت بزرگان شیعہ در عراق و حجاز و مناطق دیگر اسلامی تشکیل می‌داد، برای نمونه، هنگامی که معاویه حجر بن عدی و همراهان او را کشت ، عده‌ای از بزرگان کوفه نزد حسین بن علی (ع) آمده ، جریان را به حضرت خبر دادند، و موجی از نفرت در همه قشرهای

خانه غم

هر جا که غم است مسکن و جای من است

«غم خانه» روزگار ماوای من است

زاوای سرور بهره‌ای نیست مرا

آن نغمه غم بود که آوای من است

د از: چینی زاده (منتظر)

- ۱ - ولی حسین بن علی (ع) آنها را به پیروی از امام مجتبی (ع) توصیه می‌کرد و می‌فرمود: اوضاع فعلی برای قیام مساعد نیست و مادامی که معاویه زنده است نهضت و انقلاب به ثمر نمی‌رسد .
۲ - ارزیابی انقلاب حسین (ع) صفحات ۲۰۸ - ۲۱۴ - ۲۱۵ - ۲۱۸